

پاسخی به

نامه پراگنی فدائی اکثریت

قلب آنها بیدارند. فقط سه چند نمونه از این شبهه دروغ - کویبی، عدم صداقت در بازرگویی و قایع تاریخی و حرفهای "حزب جمهوری نادگن" زدن" اشاره مختصری نمائیم.

ارتجاعی باههای اخیر تظاهرات

کان برای ساز مخالف تبار و - جان یون فدا مبر با لیست (یعنی بهشتی، رفتنانی و خامدای !!) و پاسداران انقلاب ... شعارهایی را که صدر صد ارتجاعی و فدا نطق بی است ... تکرار کرده - اند" (تاکید از ماست) "اکثریتی" ها ابد آنمی گویند چرا این تظاهراتها "ارتجاعی" بوده است. فعلاً سنج شمار نیست !!

مختمن آریاسخی به آن میدهم.

قلب واقعیات و حقایق

"اکثریتی" ها بسرای

اینکه گفتا رخود و نظرات خود را "موجه" جلوه دهد، مجبور شده اند دیدیهای ترین واقعیات در مورد حوادث و وقایع چند مدت گذشته را تحریف کنند و

اخیراً "سازمان جریکدای فدائی خلق (اکثریت)" تا - مه سرگشاده ای به مجاهدین خلق نوشته و در آن ضمن طرح "اسفاداتی" به مجاهدین، آشپز را به بازگشت سه "راد و روش انقلابی" دعوت کرده است. ار آنجا که این نامه مقط سه مجاهدین مربوط میشود، و در آن بسیاری نخطه نظرات مسد، انقلابی تبلیغ گشته است.

همه میداند شند که در یکسی دو ماه گذشته، تظاهراتها و اعتراضاتی بر علیه زورگویی - های حزب جمهوری در گوشه و کنار کشور بر راه افتاده است. همه هم میداند که اینگونه تظاهراتها آنگونه که حزب جمهوری تبلیغ میکنند، به تحریک "فدائولان" و "بر علیه ولایت فقیه" و ... نبوده، بلکه در اساس نمودار بنیان مردم علیه زورگویی های حزب فتنه جوی جمهوری اسلامی

"انقلابی" میباشند و به "طرف" داری ارکان رگران و رادیکالها و دهقانان " مشهورند!!؟ قلمه و اضمیات و حقایق تا به کجا؟ چه مایه‌هایی در مقابل اشراق حزب جمهوری تا به کجا؟

به نمونه‌های دیگر از نسا ما می‌بودند در ماجراهای تاریخی و نتیجه‌گیریهای دلخواه‌های آقایان توجه کنید:

" آن روزی که آقای رفسنجانی نام مسعود را از لیست کاندیداهای ریاست جمهوری حذف کرد و 'ملاحیت' تیسار مدنی را برای کاندیداتوری ریاست جمهوری مورد تأیید قرار داد، مرا - حتی اعلام کردیم که این کار این توهم را پیش خواهد آورد که گویا مدنی‌ها از مسعود رجوی‌ها به ما نزدیک‌ترند."

گفتیم که در مقابل تاریخ باید صادق بود! اولاً عقابان حذف نام مسعود رجوی از لیست کاندیداهای رفته "آقای رفسنجانی" بلکه شخص امام خمینی صادر کرد (امیدواریم فراموش نکرده باشید) ، اگرچه این امر بیشتر به تحریک فتنه‌گران حزب جمهوری ، یعنی همین " آقای رفسنجانی" و شرکاء صورت پذیرفت . و ثانیا آیا این افسر فقط این " توهم" را بوجود آورد که گویا " مدنی‌ها از رجوی‌ها به ما نزدیک‌ترند" ، آیا در شما این " توهم" واقعی را بوجود می‌آورد که سران حزب جمهوری خود را به تیسار مدنی‌ها نزدیک‌تر احساس میکنند تا به مسعود رجوی‌ها؟ آیا همین خاطر هم است که توطئه‌گساران کودتای جی جون آیت و شرکاء در آن حزب کذایی مشغول هستند و خیز و توطئه‌چینی هستند (بر علیه همین مسعود رجوی‌ها) و ما واکتی‌ها با تمویت در آن حزب به نمایندگی مجلس هم رسیده‌اند؟

" اکثریتی" های سرای " موج" جلوه‌دادن مباحث و نقطه نظرات خود به قلب مدیعی ترین واقعیات و حقایق برداخته‌اند. لکن خوب گفته‌ام که اپورتونیست‌ها حتی مدیعی‌ترین قیامی‌های هندسی را نیز - اگر مستمعان نشاند - منکر می‌شوند.

" اکثریتی" های سرای ایسکه‌انگ " لئیرال" نبودن

همه میدانند که در دعویای بی‌بسی‌مدرو حزب جمهوری، عده‌ای از روحانیون به جانب داری از سنی صدر و خواسته‌اند. کسانی که در دوره اخیر فعالانه در مخالفت با حزب جمهوری و در دفاع از سنی صدر تبلیغات و سخن رانی گذاشته‌اند و حوادثی چون مشهد و صفهان در کناره‌های رخسارانی‌های آنان بوجود آمده ، امثال لاهوتی و شیخ علی تهرانی بوده‌اند. هیچ نیرویی ایسین روحانیون را " مرتجع" که منی دانده‌ای ، آنها را روحانیون دمکرات منشی نیز می‌شناسند. ولی " اکثریتی" ها از زیبایی من در آوردی دیگری دارند (البته زیاده‌م" من در آوردی نیست ، بهترین است بگوئیم " حزب جمهوری در آوردی" است) :

" اخیراً عناصر رونیرو هابی که در مخالفتشان بسیار پیشرفت انقلاب هیچ تردید نیست ، تحت حمایت عده‌ای از روحانیون مرتجع که همیشه به طرفداری از سران به‌داران بزرگ و لیبرال‌ها و فئودال‌ها مشهور بوده‌اند هستند ... در صفهان و قم و مشهد دست به راه‌پیمایی و تظاهرات ... زده‌اند... (تا گیدات از ما است)

آیا جدائات لاهوتی و شیخ تهرانی " مرتجع" بوده‌و به " طرفداری از سران به‌داران بزرگ و لیبرال‌ها و فئودال‌ها" شهرت دارند و امثال بهشتی ... حاشه‌ای ، با هیروآیس و ...

را به محاهدین بجماعتید . سر سرا لایحه‌ها محاهدین در مسعود دستگیری دلب راه دو شخصون سیاه کرده اند و سپس می‌پرستند : " سیاست در سست آن بود که شما حراحتاً اعلام می‌کردید که این یک جامعه است که اشخاص معلوم‌الحالی چون قطب زاده فرصت می‌بند از شبکه تلویزیونی ... لحن برانگیزی کند... اما فداشیان و محاهدین و دیگر نیروهای غذا مبریا لیست و انقلابی ، با مدها شهبند گلوگون کفن ... نه تنها اجازه حرف زدن با مسردم زحمتکش را از رادیو و تلوو تلوو یزیون نداشته‌باشند ، بلکه کوشش شود که حتی حق جنگیدن علیه رژیم جنایتکار صدام را هم در شهر محاصره شده آبادان از آنان بگیرند."

" اکثریتی" ها از مجاهدین طلب " مباحث" میکنند. ولی چرا " اکثریتی" ها خود بسیار مباحث اعلام نمیکنند آن کسی که یکم خروج نیروهای انقلابی را از آبادان صادر کرد ، یکی از همین توجه‌های حزب جمهوری بود ، چرا خودشان با مباحث نمی‌گویند که حکم اعدام دکتسر تریمینا را یکی از سران همین حزب جمهوری ، همین روحانیون با اصطلاح " غذا مبریا لیست" حزب جمهوری صادر کرد؟ حشرا در مبارزه با حزب جمهوری حراحت ندارند؟

" اکثریتی" های سرای " موج" جلوه‌دادن مباحث و نقطه نظرات خود به قلب مدیعی ترین واقعیات و حقایق برداخته‌اند. لکن خوب گفته‌ام که اپورتونیست‌ها حتی مدیعی‌ترین قیامی‌های هندسی را نیز - اگر مستمعان نشاند - منکر می‌شوند.

" آزادی سیاسی در مده‌ایس ار آزادی سیاسی در سطح حاشه حد است . و گد سرش عنون و آزادی‌های سیاسی در حاشه سر به کنترش و نکامل مبارزه طغیان و به

" آزادی سیاسی در مده‌ایس ار آزادی سیاسی در سطح حاشه حد است . و گد سرش عنون و آزادی‌های سیاسی در حاشه سر به کنترش و نکامل مبارزه طغیان و به

نقش مبارزه برای آزادی

" اکثریتی" های در این

و چاره (!!) و محله را میدهد.
سال آخره معلوم نمی شود برای تا -
سین آرادیهای سیاسی در سطح
مدارس با حاحمه جدا بید کرد !!
" اکثریتی " ها در مقابل
رورگویی های حزب جمهوری
آن چنان جبهه بر زمین نایافته -
اند که با لاجرم آشکارا مسئولیت
عمده درگیریهای چندین هفته
گذشته را به گردن مجاهدین می -
اندازند :

" با بیدنیول کنی که
در تشنجات اخیر مسئولیت -
های عمده ای بی پاسخ ما -
نده است . قبول کنی که
جنیت از شما انتظار دیگری
ندارد ... " (تاکید از ماست)
مجاهدین را محکوم به انتخاب
روشهای مخرب تر و نادرست تر
از حزب جمهوری مینماید (که
گویا در حزب جمهوری در " روش
نادرست " است) :

" وقتی یک یا چند هفته از
تیر و تازی خلق روئین های
غلط و مخرب و بی انضباط
افکنانه ای را در پیش گیر -
ند ، آیا سایر نیروها مجاز -
ند به خاطر مقابله با ایس
روشها به روشهای نادرست
تر توسل جویند ؟ " (تاکید
از ماست)

جداً حزب جمهوری هرگز
نمی توانست این چنین " تیر و
ریک " ، " دوستانه " و " رفیقا -
نه " این شتمی را که ما همامت
میخواهد به مجاهدین بچسانند -
یعنی مسئول عمده درگیری
ها و تشنجات - رابه آنها بماند -
سند !! " اکثریتی " ها جقدر
" زیبا " و " رفیقانه " ایس
و طیفه حزب جمهوری را انحام
پاده اند . جقدر " زیبا " و ما -
هراته منکران حزب جمهوری
را از انحام وظیفه -
و بلوا فریبی سرا ساخته اند ،
و جقدر " زیبا " بیارره برای
آزادی را به طاق نیسان گسو -
سپیده اند !!

صف بندیهای

که اکثریتی ها هم تبلیغ می کنند؟

مذنهاست که حزب جمهوری
(و ایما حزب توده) برای
بیشتره مخالفان خود پیش دست به
تبلیغ صف بندیهای معیسی
در سطح جامعه زده است . آنها
این چنین تبلیغ میکنند که
گویا دعوی اصلی جامعه ایس
گروه لیبرالها از یکسو و خط
امامی " ها از سوی دیگر است .
بزعم ایسان لیبرالها نخست
لوی آزادیخواهی ، میخواه -
ند ، همگامی را دو باره راه
ایران برگردانند . ولی " خط
امامی " ها که حزب جمهوری اسلامی
هم گویا نیروی اصلی آنست ،
مبارزین قاطع " خدا میریاس -
لیست " !! هستند ، آنها
تبلیغ میکنند که همه " نیروها و
همه " مردم با بیدرزیر رهبری
ایس حزب کدایی باشند ، و در -
غیر این صورت با لیبرالها
هستند و عملاً زیر پرچم آمریکا !!
آنها راه سومی برای مردم ما -
قی نگذارده اند . آنها که از
شریترترین و ضد دیکراتیک ترین
نیروها هستند ، هرگونه فریاد
آزادیخواهانهای رابه آنها "یه
اینکه این " هدای آمریکا " !!
است در کلوظه میکنند تا بابه -
های حکومت مستبدانه ، و سگی
به قدرتها بزرگ خود را دور زیر
برده ، دین محکم سازند ، حزب
توده را همان اسدا برای ایس
دسته " شریک رفردو همین مضمون
رابه شیوه ای " شوریک " در
میان مردم و " چپی " های
دروغینی چون " اکثریتی " -
تبلیغ نمود .

حالا هم " اکثریتی " هنا
همان اراخف و عیس صف
بندیها را تبلیغ میکنند و می -
خواهند بجا هدین هم ما سجد خود -
تان در زیر پرچم حزب جمهوری
سپه بوسند . برای همین هم
ایک " لیبرال " بودن رابه
مجاهدین می چسانند و آنها را
پنسیان لیبرالها خطاب می -

کنند
تعاویج میدهند که اگر
واقعاً شما همه بود ، از پشت
لیبرالها بردارید ، برلس
به این انقلاب و به آرسا
هزاران هزار شهید کنگسور
کمن آن ، چه خدمت بزرگ
کرده اید ؟ تا کسوں هست
اید بشیده اید که گستاخس
اغیر لیبرالها ما چه میسار
به حساب کردن روی حمایت
شما مرموط است ؟

" اکثریتی " ها از محام
هدین میخواهند تا از لیبرالها
ببرند . ما که میبویسد
به " خدا میریاسیستها " !! و
این با اصطلاح سدا میریاسیستها
چه گسائی هستند ؟ بیاس
" اکثریتی " ها عملاً کی حمر
کاسینه ، رجاشی نیست . همان
دومف بندی حزب جمهوری ،
" اکثریتی " ها همه را در مقابل
دورا قرار میدهند : با حزب
جمهوری و با لیبرالها !!

تبلیغ این صف بندیها
بماتنه تشنه صف بندیهای ممکن
در جامعه نشاندهنده " ذوا بر همه
است : اولاً - اینکه " اکثریت -
یتی " ها و نیروهای متابه
همه " لاف و گزافه ایسان در مورد -
" توده " و قدرت لایزال وی
و انقلاب توده ای ... عملاً ب
توده " مردم و قدرتش سساوری
ندارند . اصلاً به حرکت رحمد -
کشان اعتقادی ندارند و فکر می
کنند که بعضی گسده " حرکت
جامعه دعوی سالانی ها - سده
اصطلاح دعوی لیبرالها و حزب
جمهوری - است ، نایب - اس
که چون دعوی ایس دوستانه
حکومتی سر حرکت جامعه را
تعمین میکند ، و برعم ایسان
خفه " نیروهای سیاسی ،
احتمالی عملاً و مستقل از اس
" دوطب " هیچ کاره اند . پس
باید طرف یکی ارا سها را گرس
م - " اکثریتی " ها ففصلا
ترجیح داده اند که ما سسررت
جمهوری باشند . و در ایس راه
همه " در ورگی ها را هم بحسان

حمایت میکنند. نیروی دیگری هم هست که از این سقوط فایده سرد؟ در تاسی اگر ما ارسیا سنها و اقدامات مدامیرالیستی دولت و مجلس به این دلیل حمایت نکنیم که ضعف است... آیا این بمعنای تسلیم شدن در برابر مخالفان انقلاب و تمکین کردن به هدفهای آنان نیست؟ (تاکید از ماس)

بدین ترتیب از نفع نظر اکثریتی "حفاظت از انقلاب"، امروزه بطور مشخص یعنی جلوگیری از سقوط "کابینه" را می بینیم که رئیس جمهور و لبرالها تمام میشود!! حتماً درختانی است!! این نتیجه محتوم تحمیل صف بندیهای پیش یا دنده است. این نتیجه محظوم همان تصویری از اوضاع جامعه است که حزب جمهوری (و هم چنین لبرالها) در مقابل مردم ترتیب داده اند: که گویا دعوی اصلی بین حزب جمهوری (مکتبیها و فدا میرالیستیها) و لبرالها (متخصص ها و سازش کارها) میباشد که بصورت دعوی بین کابینه، رجایی و ورثش حیثیور نیرو زده است و میخواهند مردم را محبور کنند که بین یکی از این دو جنبه انتخاب کنند. "اکثریتی" ها میگویند که بپندارند تصمیم درست در برابر یک گمراهی جهت گیری با حزب جمهوری است!!

نتیجه گیری:

"اکثریتی" ها در طول این نامه: **اولاً** - بروی صف بندی که حزب جمهوری در جامعه ما حاکم است (و نه تنها حزب جمهوری بلکه حتی همان لبرالیهای "خطرناک") کاملاً سعی - گذاشته و طرفداری از حزب جمهوری را کرده اند. **ثانیاً** - برای جوش آمدن میدان حزب جمهوری، به فلسف

خبرده اند. سایرین طرز تفکر اکثریتی با حزب جمهوری سازگارند، خصوصاً لبرالها نیز!!

تاکتیک انقلابی، اکثریتی ها در شرایط کنونی چیست؟

"اکثریتی" ها در اوایل نامه شان نوشته اند "در روزها، هفته ها و ماههای آتی، بین ما و انقلاب ما روزهای سختی را پشت سر خواهیم نهاد" و "سختی و مشکلات پیش از هر زمان به تصمیمات درست نیروهای انقلابی خواهد بود". ایشان در انتهای نامه شان "تصمیم درستی" را که همه را به آنها آسان دعوت میکنند مطرح ساخته اند:

"حسی ها فکر میکنند کینه اکثر این کابینه از عهدده اداره، کشور برمی آید. احتمال سقوط آن هست پس بهتر است ما خودمان را در شکست های آن تریک نکنیم و اقدامات فدا میرالیستی (!!) آن حمایت نکنیم. حال آنکه کسی واقعا انقلابی است که اولاً بپندارد پیشروین مسود را از سقوط دولت کدام نیرو خواهد سرد؟ آیا بحر لبرالها؟ امرا، از رئیس جمهور

و انصاف و حقایق تاریخی و سببها برداشته و مسأله در راه آزادی را عملاً "ارنجایی" قلمداد میکنند. **ثالثاً** - منطق با تسلیحات حزب جمهوری، معاهدین خلق را مسبب اغتشاشات و درگیریها قلمداد میکنند (در صورتیکه مسبب همه این فتنه ها حزب جمهوری است).

رابعاً - دفاع بی قید و شرط خود را از حزب جمهوری و دولت متبوع ایشان یعنی کابینه، رجایی اعلام میدارند. حال با تمام این خشوش خدمتی ها و چاپلوسی های "تئوریک و سیاسی" در پیشگاه حزب جمهوری، این نامه را نباید "مدح نامه حزب جمهوری" از طرف "اکثریتی" ها دانست؟

جداً "اکثریتی" ها قصدنامه نوشتن به ما هدیه را داشتند یا قصد اعلام جنبشگی علمی و کامل با حزب جمهوری را؟ ولی در ارزیابی از نامه باید صداقت داشت! "اکثریتی" ها انتقاداتی نیز به حزب جمهوری وارد داشته اند. توجه کنید:

"این نگرانیها (نگرانی از وخامت اوضاع) وقتسنجی میشوند بگونه ای جدی تر مورد توجه قرار گیرد که در کسب نیروهای اصلی جمهوری اسلامی ایران که در شرایط فعلی قطعاً هدف اصلی تمام آن حملات قرار دارند، **هورا این اطمینان را در میان مردمی که خواهان استقلال، کار، مکتب و آزادی هستند باید بسیار در آید که در کتا کت سرگی که در راه آزادی آنهاست که دارد که این جمهوری را از حمایت همه جانبه وسیع متحدین و دوستان و مدافعان واقعی انقلاب مادر ایران و جهان برخوردار سازد...** (تاکید از ماس)

آری "انترسی" همسایه "کاملاً اطمینان"

نیافته اند که حزب جمهوری "آمادگی" لازم برای انداختن ایران در دامن متحدین و دوستان و مدافعان واقعی انقلاب مادر ایران و جهان "دارد یا نه!!" اگر "بیتی" ها که نازکی ها خیلی سنگین "متحد و دوست و مدافع واقعی" انقلاب مادر جهان - یعنی شوروی - را به سینه میزنند هنوز کاملاً این اطمینان را نیافته اند!! همانند "بحا" و "اصولی" ای! البته از دید "اکثریتی" های روبروی نیست و شوروی برست!!

پایان سخن: آن فدائی و این فدائی!!

"اکثریتی" ها نامه خود را تا این جمله آغاز کرده اند: "دوره، گمراهی تا ریخ مبارزات خلق قهرمان ما با نام شما و نام ما، نام مجاهد فدایی گره خورده است."

ما کارنداریم که آیا واقعا تاریخ معاصر مبارزات مردم ایران با نام "مجاهد فدایی" گره خورده است یا نه! ولی یک نکته را میدانیم و آن اینکه سر آن فدایی که در میان مردم بحق برای خودجایی مبارز کرد تا این "فدائی" زمین تا آسمان اختلاف است.

آن فدایی، آنکه به نام تاریخ پیوسته وجود داده شده، آنکه همانها آمدند، آنکه با نام و کار و آثار احمد را داده و پیوسته و تبدیل بر سر آنها افتاد، در حدیث با مبارزکاری و مصلحتجویی با دشمنان مردم مولودند؛ ولی این "فدائی" است که گداز مال حاضر آرمسان آن فدایی، تاثیر بریا گسترده است و انقلابی آن فدایی، ارتش و بارش و پیوسته نیروی میکند!

آن فدایی در تاسان علیسه
استنداد و عقان حاکم بوجامه
وسرای آزادی مردم بخروش در
آمد؛ و این "فدایی" به آزادی
ستت کرده و سر تعظیم در مقابل
نیروهای مستبد فرو آورده؛ آن
فدایی با قیام علیه خیانتست
رویز یونیسیم خروش جفی، با سر
افراشتن علم مبارزه علیسه
"فوربا غه خروش جفی" پاسه
عرصه مبارزه گذاشت؛ و این
"فدایی" با جبهه با بسی در
مقابل رویز یونیسیم با همصدا
شدن با همان فوربا غه حسای
بدبخت و بدتر با هم آوا شدن بیبا
کرازهای وحشی بر زلف سی
تمام بندهای خود را بسای آن
فدایی قطع کرد. بین آن فدا
یی و این "فدایی" همان نفس در
پیوند هست که بین انقلاب و
خیانت، بین مارکسیسم و
رویز یونیسیم!

آن فدایی جرعه تاسان
کی بود که در تاریکی شب محمد
رضاشاهی درخشید، و این "فدا
یی" گرم شب تابی است کسه در
نور خیره کننده انقلاب ایران
فروغی ندارد! "فدایی" فقط
نقابی است تا چهره واقعی
"توده های خجول" در پشت آن
مخفی بمانند.

آن فدایی، واقعاً
فدایی انقلاب و مردم نیست؛
ولی این "فدایی" فقط
فدایی رویز یونیسیم و شوروی
است!

